

استصواب همچنان مهم‌ترین مانع مشارکت مردم است

محمدصادق جوادی‌حصار، فعال سیاسی
اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با «اعتماد» تحلیل
کرد

اهمیت سه ضلع اصلی انتخابات

مهدی بیگ‌اوغلی

با آغاز انتخابات، هنوز نحوه کنشگری گروه‌های مرجع سیاسی، مردم و حاکمیت چندان مشخص نیست. هر چند با تصویب قانون انتخابات اختیارات شورای نگهبان افزایش چشمگیری پیدا کرده، اما هنوز با قطعیت نمی‌توان گفت آیا این شورا در بحث احراز صلاحیت‌ها در راستای رونق انتخابات عمل می‌کند یا مانند سنوات قبلی برخوردهای سلبی با یک جریان خاص سیاسی خواهد داشت؟ اما همچنان می‌توان موضوع نظارت استصوابی را مهم‌ترین گزاره در بحث انتخابات پیشرو قلمداد کرد. با کند یا تیز شدن تیغه تیز ردصلاحیت‌ها، سرنوشت انتخابات، مشارکت مردم و ترکیب مجلس آینده هم دچار قبض و بسط شده و تغییر می‌کند. در آخرین دست از تحولات مرتبط با انتخابات بسیاری از احزاب و تشکل‌ها تلاش می‌کنند در گام نخست زمینه ثبت نام افراد و چهره‌های مورد نظر خود را در انتخابات فراهم کنند. در مرحله بعد با آغاز بررسی صلاحیت‌ها مشخص می‌شود که آیا شورای نگهبان با رویکرد ایجابی به بحث انتخابات ورود کرده و صلاحیت‌ها را بررسی می‌کند یا اینکه مانند همه تجربه‌های قبلی با رویکرد سلبی، کاندیدهای اصلاح‌طلب و میانه‌رو را با تیغه تیز رد صلاحیت‌ها از جریان انتخابات خارج می‌کند. با هر عینکی که به بحث انتخابات نگاه شود، نمی‌توان از این واقعیت عبور کرد که در یک انتخابات با مشارکت پایین، همه افراد، گروه‌ها و جریان‌ها بازنده هستند. «اعتماد» بر اساس راهبرد مشخص خود تلاش می‌کند از دل گفت‌وگو با افراد، گروه‌ها، احزاب و اساتید دانشگاهی ابعاد زوایای پنهان انتخابات را بررسی کند. در این نوبت

پای گفت‌وگویی محمدصادق جوادی‌حصار، فعال سیاسی اصلاح‌طلب نشستیم تا موضوع انتخابات را مورد حلاجی قرار دهیم. جوادی با اشاره به سه ضلع اصلی نقش‌آفرین در انتخابات شامل مردم، حاکمیت و گروه‌های مرجع، نقش هر کدام از این گروه‌ها در انتخابات را تحلیل می‌کند.

سوت آغاز انتخابات در شرایطی نواخته شده که از یک طرف قانون جدید انتخابات و از سوی دیگر برخی تصمیم‌سازی‌های سیاسی و اجتماعی، فضای امیدبخشی را پیرامون انتخابات شکل نداده است. به عنوان یک فعال سیاسی فضای انتخابات را چطور ارزیابی می‌کنید؟

با مقوله انتخابات 1402 و آوردگاه‌های انتخاباتی آینده با 3 منظر می‌توان روبه‌رو شد؛ منظر اول، مواجهه حاکمیت با مقوله انتخابات است. اینکه حاکمیت به انتخابات چگونه می‌نگرد و چه مطلوبی از انتخابات دارد، یک وجه مهم آوردگاه پیشرو است. منظر دوم مرتبط با متن جامعه و توده‌های مردم است و نهایتاً سومین ضلع این مثلث از منظر کنشگران سیاسی و طبقات مرجع اجتماعی و مواجهه آنها با انتخابات قابل بررسی است. نگاه حاکمیت درباره انتخابات طبق کارنامه قبلی و چشم‌اندازی که با قانون جدید انتخابات ایجاد شده، نشان می‌دهد که سیستم به دنبال انتخاباتی کنترل شده است به گونه‌ای که انتخابات در مشت آنها باشد. در واقع جنس انتخابات دموکراتیک نخواهد بود. در انتخابات دموکراتیک، ابعاد گوناگون انتخابات، مشخص و نتیجه نامشخص است. اما اینجا دستگاه‌ها به دنبال انتخاباتی با نتیجه معلوم و مقدمات نامعلوم هستند. انتخابات هر اندازه گنگ‌تر، مبهم‌تر و مه‌آلودتر باشد، خاطر برگزارکنندگان آن جمع‌تر است. بنابراین ما با انتخاباتی روبه‌رو هستیم که هنوز نمی‌توان صفت آزاد و دموکراتیک را بر آن نهاد و انتخابات آزاد هنوز برای آن غیرمتصف است.

گفتید دومین ضلع مهم عموم مردم هستند، نحوه کنشگری مردم در چنین انتخاباتی چگونه خواهد بود؟

این روزها همه شاهدیم که طرح دموکراسی‌خواهی، آزادی‌خواهی و انتخابات سرنوشت‌ساز و آزاد در متن مردم، تب بالایی است. یعنی مردم اشتیاق زیادی به انتخابات مهندسی شده با نتایج معلوم ندارند و خواستار انتخاباتی آزاد و دموکراتیک هستند. مردم به انتخابات مبهم، علایم مثبتی نشان نمی‌دهند. کما اینکه در انتخابات گذشته هم همین اتفاق افتاد و درصد مشارکت پایینی ثبت شد. بنابراین تقریباً حاکمیت، تکلیف خود را با بخش‌هایی از مردم مشخص کرده و بخش‌هایی از

شهروندان هم تکلیف خود را با چنین انتخاباتی روشن کرده‌اند. بخش‌هایی از حاکمیت هم نشان داده‌اند به يك حداقل از مشارکت اکتفا کرده و اکتفا می‌کند.

در مدل ترسیمی شما کنشگران ضلع سوم را تشکیل می‌دهند. در جریان رخدادهاي اعتراضی سال 1401 شاهد حضور کنشگران جدیدی در عرصه کنشگری سیاسی و اجتماعی بودیم. نحوه کنشگری این ضلع سوم در انتخابات 1402 چگونه خواهد بود؟

ضلع سوم، موضع کنشگران سیاسی و طبقات نخبه اجتماعی مثل دانشگاهیان، روشنفکران، روحانیون تاثیرگذار و البته احزاب است. احزاب در راس همه این مراجع قرار دارند. ضمن اینکه مطبوعات و رسانه‌های آزاد هم نقشی تعیین‌کننده در انتخابات دارند. اینها باید از جهاتی به دستگاه‌های حاکمیتی و جریان‌ات مسلط درون حاکمیت (دولت‌ها) انذار و هشدار دهند و آنها را از نتایج وحشتناک انتخابات مه‌آلود، غیرشفاف با نتایج از پیش تعیین شده تذکار داده و دور بدارند. باید بگویند انتخاباتی از این دست در کوتاه‌مدت و بلندمدت برای منافع ملی و بقای حاکمیت حتی، تضمین‌آفرین نیست و شکاف بین مطالبات مردم و مطالبات دولت و حاکمیت را عمیق‌تر می‌کند. این مراجع رسالت مهمی دارند و آن انذار حاکمیت از رفتار تجربه شده گذشته و ترغیب حاکمیت و دولت به سمت گرایش‌ات عمومی مردم مثل استفاده از نیروهای پاک‌دست، بسترسازی برای مشارکت حداکثری و شفافسازی هر چه بیشتر انتخابات در موضوع انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان است. یعنی برای هر دو طرف ماجرا نتایج انتخابات و کارآمدی آن در بستر اجتماعی باید قابل رصد کردن باشد. دیگر اینکه احزاب، جمعیت‌ها و طبقات نخبه اجتماعی باید مردم را نسبت به فواید مشارکت در انتخابات و مضرات عدم مشارکت هشدار دهند. باید به مردم گفته شود اگر با امکانات موجود در انتخابات حاضر شوند چه فوایدی خواهد داشت و اگر شرکت نکنند چه مضراتی بر رفتار آنها مترتب خواهد بود. منظورم این است که باید مردم را نسبت به نتایج هر دو وجه ماجرا (مشارکت و عدم مشارکت) آگاه کرد تا بتوانند آزادانه نسبت به مقوله انتخابات افراد و جریان‌ات تصمیم بگیرند. مشخص است وقتی مردم در انتخابات شرکت نمی‌کنند، در ابعاد درونی و بیرونی به تقویت جمهوریت و تقویت جمهوری اسلامی و همچنین تقویت منافع ملی منجر نمی‌شود.

اما اقشاری که ایده عدم مشارکت را در ذهن دارند، فکر می‌کنند از این طریق حاکمیت و دولت را تنبیه می‌کنند.

